

۱۶۵۰۲

مطرف اسلامی	مجله
اسفند ۱۳۵۵	تاریخ نشر
۲۷	شماره
۲۷	شماره مسلسل
قرآن	محل نشر
فارسی	زبان
مراد اوزنگ	نویسنده
۵۷ - ۵۹	تعداد صفحات
نظر منیران قرآن مجید درباره بعضی از آیات	موضوع
آیات ۴، ۱۸ سوره یوسف	سرفصلها
	کیفیت
	ملاحظات

نظر مفسران قرآن مجید درباره بعضی از آیات

از
مراد اورنگ

عبارت از واژه (شرو) در اول وواژه (زاهدین) در آخر باشد. زیرا درك مفهوم حقیقی آیه بسته به دانستن ترجمه صحیح این دو واژه میباشد.

واژه اول در ترجمه تفسیر طبری و تفسیر سور آبادی و تفسیر ابوالفتوح رازی به (خریدند) برگردانده شده. در تفسیر کشف الاسرار و عدة الابرار میگوید شاید فعل سیاره بود بمعنی خریدن و شاید که فعل برادران بود بمعنی فروختن. در برخی از تفسیرها هم بمعنی (فروختند) آمده

آن دسته از مفسرین که واژه مورد بحث را بمعنی (خریدند) آورده اند، فعل را نسبت داده اند به کاروانیان که در آیه جلوتر ذکر شد و این آیه دنباله آن و متمم آن میباشد. اما آن گروه از مفسران برگشت داده اند به برادران یوسف در آیه هیجدهم، یعنی دو آیه جلوتر.

با آنچه گفته شد، نتیجه گیری از این دو عقیده در خور دقت است تا معلوم شود کدامیک با روح کلام خدا سازگار و پسند خرد و دانش میباشد.

بعقیده بنده نظر دسته اول دلپذیرتر و با شیوه نظم و ترتیب آیات سازگارتر و رساتر میباشد. زیرا در قرآن مجید معمولا هر آیه ای با آیه جلوتر از خود ارتباط دارد و یا عبارت دیگر متمم و مکمل آن میباشد. بنابراین باید

از آیه چهارم تا پایان آیه هیجدهم از سوره یوسف، در بیان رفتار بیدادگرانه برادران یوسف علیه السلام نسبت به او میباشد که سرانجام کار، به چاهش انداختند و پیراهنش را بخون دروغین آلوده ساخته نزد پدرشان بردند و چنین وانمود کردند که گرگ او را خورده است. آیه نوزدهم گفتگو از فرارسیدن کاروانیان و بیرون آوردن یوسف از چاه و پنهان کردن او از سایرین بقصد فراهم آوردن سود و سرمایه میباشد. یعنی او را ببرند بفروشند و سرمایه ای بدست آورند. اینک آیه: و جائت سیارة فارسوا و اردهم فادلی دلوه قال یابشری هذا غلام و أسروه بضاعة والله علیم بما یعملون - یعنی کاروانی بیامد. پس آب آور خود را فرستادند (آب بیاورد). دلو خویش را فرو انداخت. گفت مزدگانی: اینک پسری. و او را پنهان کردند برای بضاعت. خدا داناست به آنچه می کردند.

پشت سرش در آیه بیستم نتیجه کار آنان را که خریدن یوسف و چگونگی رفتارشان با او باشد بیان میکند و میفرماید: و شره بئمن بخشى دراهم معدودة و کانوا فیه من الزاهدین

مقصود اصلی از این مقدمه و طرح این موضوع، دقت و تأمل در معنی دو واژه اول و آخر آیه است که

نظر مفسران قرآن مجید درباره بعضی از آیات

آیه بیستم را هم روی همین قاعده دانست آنرا با آیه جلوترش که بحث از کاروانیان است ارتباط داد نه اینکه از آیه جلوترش صرف نظر کرد و برخلاف نظم و ترتیب آیات بطور قوسی به آیه های جلوتر مربوط ساخت . نکته دیگر اینکه بخش دوم آیه در بیشتر تفسیرها مربوط است به راه و رفتار کاروانیان و نتیجه اندیشه آنان . وقتی که چنین باشد ، مسلماً دنباله بخش اول و مضمون آن خواهد بود . نمی توان پذیرفت که نصف اول آیه مربوط به عمل برادران یوسف در آیه ۱۸ و نیمه دومی مربوط به عمل کاروانیان در آیه ۱۹ باشد .

چون درباره واژه اول آیه بقدرکافی بحث شد ، اکنون میپردازیم به گفتگودر واژه (زاهدین) که ژرف بینی در معنی آن حائز اهمیت زیاد میباشد . نظر باینکه این واژه در بیشتر ترجمه ها و تفسیرها به (بی رغبتان) برگردانده شده و همان معنی همیشه مورد نظر میباشد . از این جهت ممکن است در آغاز کار قضاوت درباره آن آسان بنظر برسد ، ولی چنین نیست . بلکه جای دقت و تأمل است تا جان کلام نمایان گردد و دانسته شود این واژه کهن که برای نخستین بار در قرآن به کار رفته چه نکته ها و ریزه کاریهایی را دربر دارد .

واژه زاهدین در سه نسخه از ترجمه تفسیر طبری بمعانی : (ناخواهندگان ، ناکامان ، دژکامان) است . در تفسیر ابوالفتح رازی و تفسیر زین العابدین رهتما و بیشتر تفسیرهای دیگر بمعنی بی رغبتان میباشد . درباره بی رغبتان هم سخنانی گفته اند که لطافتی از معنی آیه را نمایان نمی سازد و دلنشین هم نمی باشد . اینک برخی از آن گفته ها :

برادران یوسف به او بی رغبت بودند . کاروانیان به یوسف و بهای او بی رغبت بودند . با آن همه زیبایی که یوسف داشت ، کاروانیان به او رغبت نداشتند و نسبت به او اندیشه بد در دلشان نمی گذشت .

چنانکه می بینیم ، معانی که یاد شد دلپذیر و خوش آیند نمی باشد . پس باید بررسی کنیم ببینیم واژه زاهد که ریشه واژه زاهدین در قرآن است چه معنی هایی

دارد و این واژه با کدایک از آنها سازگار میباشد . همانطوری که میدانیم ، زاهد در بیشتر نوشته ها بمعنی خداپرست و پارسا و پرهیزگار است . آنچنان خداپرست و پارسا که برای نزدیک شدن به خدا ، از جهان روی گردان شود و نسبت به مال و دارائی و زرو زیور آن رغبت و دل بستگی نداشته باشد . بگفته سعدی علیه الرحمه :

زاهد که درم گرفت و دینار

زاهدتر از او کسی بدست آر

در منتهی الارب و برخی از فرهنگهای دیگر بمعنی تنگخو آمده . بنابراین واژه زاهدین که جمع آنست بمعنی تنگخویان خواهد بود . در سه نسخه از ترجمه تفسیر طبری دیدیم که واژه زاهدین را بمعنی های : (ناخواهندگان ، ناکامان ، دژکامان) آورده .

ناخواهندگان برابر است با همان واژه بی رغبتان که از آن نتیجه درستی نگرفتیم . ناکامان هم که از ریشه ناکام بمعنی ناسرد و ناخواست است ، با آن دو واژه سازگار میباشد . بنابراین باید دو واژه دژکامان و تنگخویان را با واژه زاهدین بسنجیم . دژکام بمعنی سهمناک و خشمگین است . چون واژه زاهدین را بمعنی های تنگخویان و سهمناکان و خشمگینان بگیریم ، می بینیم با راه و رفتار کاروانیان که یوسف را خریدند و بنا به توصیه برادرانش بند بروی نهاده آزارش دادند ، بخوبی جور می آید و در ترجمه و تفسیر آیه هم جای هیچگونه اشکال و ابهام باقی نمی ماند و آنچه گفته شد ، معنی ساده و آسان و دلنشین و خردپذیری بدینسان بدست می آید : او را به بهای اندکی که چند درم باشد خریدند و در باره اش از تنگخویان و بدرفتاری کنندگان بودند . یعنی با او بدرفتاری کردند و آزارش دادند .

برای اینکه به درست بودن ترجمه و معنی مذکور اطمینان پیدا کنیم و بدانیم که این آیه به کار بازرگانان یا کاروانیان در آیه ۱۹ برمی گردد و نمودار تنگخوئی و بدرفتاری آنان با یوسف میباشد ، خلاصه آنچه را که در تفسیرها و افسانه های یهود نوشته شده در اینجاسی آوریم

و یا ترجمه فوق می‌سنجیم .

اینگونه نوشته‌ها می‌رساند هنگامی که کاروانیان یوسف را از چاه در آورده‌اند ، برادرانش نزد مهتر کاروان که بنام مالک یا مالک بن ذعر بوده رفته و به او گفته‌اند این بنده ما است که از ما گریخته و خود را به چاه انداخته است . اگر مایل به خریداری باشید حاضریم او را به شما بفروشیم اگرچه به بهای اندک باشد ، ولی باید تا رسیدن به مصر بند بر او بنهید و در نگاهداریش سختگیری کنید که نگریزد و چیزی ندزدد . همچنین باید بر او جامه درشت بپوشانید و خوراک خوب ندهید که به اندیشه سرکشی نیفتد . مالک گفته است مرا بیست درم بیشتر نمانده ، اگر می‌خواهید بدهم و او را ببرم . اما باید در این باره سندی بنویسید و امضا کنید و به من بدهید که معلوم شود من او را از شما خریده‌ام . برادران یوسف می‌پذیرند و سند را امضاء می‌کنند و می‌دهند و در

برابر گرفتن بیست درم یوسف را به اومی سپارند . مالک دستور داده بند بر او نهاده و جامه درشت بروی پوشانده بر شتر سوار کرده‌اند و غلام سیاهی را نیز بر او گمارده که مواظبش باشد . در میان راه به گورستانی می‌رسند که قبر مادر یوسف در آنجا بوده . یوسف تاب نیاورده خود را از شتر پائین انداخته بر سر قبر مادرش رفته است . غلام سیاه رسیده لگد بر پشت وسیلی بر صورتش زده است .
با مطالبی که ذکر کردیم ، معلوم شد کاروانیان با او بدخونی و بد رفتاری کرده‌اند و معنی تنگخویان برای واژه زاهدین یا رفتار خشونت آمیز آنان تطبیق می‌کند و وریزه کاریهای کلام خدا را در بیان رازها نمایان می‌سازد . بلی این است معنی فصاحت و بلاغت . این است مفهوم کلام مختصر و مفید و جامع . این است معنی اولیه واژه زاهد یا زاهدین در چهارده سده پیش ب زبان خدای دانا و توانا . تا اهل تحقیق چه گویند و چگونه داوری کنند .